

می‌شوند غاربیستون، غار کمربند و هاتو، تپه آسیاب در مرحله گردآوری خوراک و سپس تپه گوران، تپه گنج‌دره، تپه علی‌کش، تپه حاجی فیروز، تپه سنگ چخماق، تپه سیلک و تپه زاغه در دوره تولید غنا و استقرار در روستاها.

در بخش سوم «تاریخ اساطیری ایران» مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که به پنج فصل تقسیم می‌شود. فصل اول در کلیات واژه اسطوره تعریف می‌شود و سپس به مباحثی چون دلیل وجود اسطوره، اصل و ماهیت زمان اسطوره‌ها، فایده اسطوره‌شناسی، منابع اساطیری ایران، پیش‌درآمدی بر اساطیر ایران و اساطیر ایران می‌پردازد. مولف از فصل دوم به بیان چهار دوره سه‌هزار سال اساطیر ایران و حوادث و وقایع آن می‌پردازد که در این فصل ابتدا سه هزار سال نخست مورد بحث قرار می‌گیرد. نویسنده در مبحث دنیای روشنی‌ها و تاریکی‌ها به معرفی امشاسپندان می‌پردازد. سپس ایزدان معروف اساطیر ایران معرفی می‌شوند ایزدانی چون مهر یا میترا، اناهید، تیشتر و بهرام. در ادامه در بحث از دنیای تاریکی‌ها و بدی‌ها، دیوان معرفی می‌شوند، اکومن، ساوول، یوشاسب ورن و دیگران و بالاخره پایان سه هزار سال نخست. در فصل سوم از سه‌هزار سال دوم بحث می‌شود. در این سه هزار سال اهورمزد به آفرینش مادی می‌پردازد موجوداتی که در سه هزاره نخست صورت مینوی داشتند در این سه‌هزار سال تجسم یافته، مادی می‌شوند.

در فصل چهارم به سه هزار سال سوم و حوادث آن اشاره می‌شود. یورش دوم اهریمن، نخستین زوج بشر، پیشدادیان و معرفی پادشاهان این سلسله اساطیری، هوشنگ، ظهرورت، جمشید فریون و حوادثی چون ظهور ضحاک، داستان تور و سلم و ایرج و سپس معرفی سلسله کیانیان و شاهان این سلسله کیکاوند، کیکائوس، سیاوش، کیخسرو و بالاخره داراب و اسکندر از مباحث این فصل است. و بالاخره در فصل آخر تاریخ اساطیری ایران از سه هزاره چهارم سخن به میان می‌آید. ظهور زرتشت، مختصری از زندگی وی و سپس ظهور منجیان در هزاره‌های بعد اوشیدر، اوشیدر ماه و بالاخره سوشیانس از مباحث این فصل هستند.

بخش پایانی کتاب به بررسی تاریخ و تمدن ایلام باستان اختصاص دارد که به چهار فصل تقسیم می‌شود. مولف پس از مقدمه‌ای در باب منشای ایلام و حدود آن در فصل نخست از ایلام پیش از تاریخ سخن می‌گوید. مولف این عهد را به چهار دوره اصلی تقسیم کرده به معرفی آنها می‌پردازد. فصل دوم در مورد تاریخ سیاسی ایلام است. معرفی اجمالی سلسله‌های معروف از هزاره سوم قبل از میلاد تا پایان حیات سیاسی ایلامیان با تصرف شوش در سال ۶۴۶ ق. م توسط آشوریان از جمله موضوعات این فصل است که در پایان نیز مولف به نحوه حکومت در ایلام اشاراتی گذرا دارد. فصل سوم به فرهنگ و تمدن ایلام اختصاص دارد. در این فصل ابتناز خط ایلامی و انواع آن، سپس مذهب و ویژگی‌های عمده آن، خدایان اصلی ایلام (مذکر و مؤنث)، کاهنان، معابد و بالاخره هنر ایلامی (معماری، حجاری، فلزگری، مهرسازی و...) و نهایتاً قانون و ریاضیات سخن می‌گوید. و بالاخره در فصل پایانی کتاب حیات اجتماعی و زندگی روزمره در ایلام در دو صفحه اشاره‌وار بیان می‌شود.

از آنجا که هدف «سمت» بازنگری منابع درسی و تدوین منابع معتبر و مستند است باید در تألیف این کتاب نیز بر این همت سازمان ارج نهاد و از مولفین این کتاب که منبع درسی یکی از موضوعاتی که منابع در آن‌اندک است را فراهم کرده‌اند سپاسگزاری کرد و بازچنانکه در پایان صفحه سخن «سمت»

معرفی و نقدی بر کتاب

تاریخ ایران باستان



تاریخ ایران باستان

جلد اول

دکتر محمود حریریان
دکتر صادق ملک شه‌میرزادی
دکتر ژاله آموزگار
دکتر نادر میر سعیدی

● مصطفی ندیم

عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز

تاریخ ایران باستان، جلد اول
تألیف: محمود حریریان، صادق ملک شه‌میرزادی، ژاله آموزگار، نادر میر سعیدی
ناشر: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷

کتاب تاریخ ایران باستان (جلد اول) تألیف مولفین گرانقدر دکتر محمود حریریان، دکتر صادق ملک شه‌میرزادی، دکتر ژاله آموزگار و دکتر نادر میر سعیدی از جدیدترین کتب منتشره توسط «سمت» می‌باشد. این کتاب در قطع وزیری با جلد شمیز در ۱۵۷ صفحه و در چهار بخش به مباحث مهم مربوط به تاریخ ایران باستان قبل از ورود آریایی‌ها می‌پردازد.

در بخش نخست مشخصات طبیعی ایران به اجمال بیان شده است. منطقه‌بندی ناهمواری‌ها، دشت‌ها و بیابان‌ها و مناطق آب و هوایی از جمله مباحث عمده این بخش است.

بخش دوم با عنوان خلاصه‌ای از باستان‌شناسی پیش از تاریخ ایران بیان‌کننده مباحث مربوط به ادوار پیش از تاریخ ایران است که این بخش خود به چهار فصل تقسیم می‌شود. در فصل نخست نویسنده به روش‌های بررسی آثار باستانی ادوار پیش از تاریخ ایران اشاره می‌کند. در فصل دوم «خلاصه‌ای از تاریخچه مطالعات باستان‌شناختی در ایران» مورد توجه قرار می‌گیرد. فصل سوم در مورد ایران در دوره جمع‌آوری غنا است که نویسنده به بیان موضوعات ایران در دوره پارینه سنگی قدیم، پارینه سنگی میانه، پارینه سنگی جدید و فرایارینه سنگی می‌پردازد و بالاخره در آخرین فصل موضوع بسیار مهم «ایران در دوره نوسنگی» مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این فصل به اختصار معروفترین اماکن باستانی معرفی

در بخش نخست اگر چه ویژگی‌های جغرافیایی فلات ایران آمده، اما از نقش آن‌ها در تاریخ کمتر سخن رفته است. به عنوان مثال تأثیر ویژگی‌های مهم جغرافیایی چون مرزهای طبیعی، وحدت خاک، وحدت اقلیمی، شکل فلات، گذرگاه‌های عمده فلات و موقعیت فلات ایران در آسیا، در تاریخ این سرزمین از قدیمی‌ترین ایام تا هم‌اکنون نقش مهمی را ایفا کرده‌اند.

پیشنهادهای اصلاحی را یاریگر گام‌های بعدی می‌داند. در اینجامن‌یاب پیشنهاد برای اصلاحات بعدی که مسلماً هم سازمان و هم مولفین محترم از آن استقبال خواهند کرد نگارنده تذکراتی را لازم دانسته به برخی کاستی‌ها اشاره می‌کند.

۱- اگرچه کتاب برای تدریس تدوین شده است و شرح مفصل مطالب لزومی ندارد اما در مباحث کتاب مولفین محترم چنان به اختصار سخن گفته‌اند که بعضی مسائل مهم که ذکر آنها ضروری بنظر می‌رسد از قلم‌افزاده است که در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم.

الف - در بخش نخست اگر چه ویژگی‌های جغرافیایی فلات ایران آمده اما از نقش آنها در تاریخ کمتر سخن رفته است به عنوان مثال تاثیر ویژگی‌های مهم جغرافیایی چون مرزهای طبیعی، وحدت خاک، وحدت اقلیمی، شکل فلات، گذرگاه‌های عمده فلات و موقعیت فلات ایران در آسیا، در تاریخ این سرزمین از قدیمی‌ترین ایام تا هم‌اکنون نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. در این بخش فقدان توضیح جایگاه جغرافیای سیاسی، انسانی و اقتصادی ایران محسوس است.

ب - پیشنهاد می‌شود در بخش دوم، نویسنده محترم ابتدا در مورد وضعیت نخستین جوامع انسانی در ایران، ارتباط نوع زیست آنها با وضعیت آب و هوایی (به عنوان نمونه چون اکثر مناطق را آب فرا گرفته بود، جوامع کوچک انسانی بیشتر در کوهها و غارها زندگی می‌کردند) مطالبی را ارائه می‌کند.

ج - در صفحه ۳۴ در قسمت «ایران در دوره گردآوری خوراک» اختصار مطلب به اصل موضوع لطمه زده است. نویسنده محترم پس از بیان مفهوم «ذخیره» و اینکه انسان جمع‌آورنده غذا و شکارورز دانه‌های غلات یا حیوانات را برای مدتی کوتاه ذخیره می‌کردند به این نتیجه رسیدند که: «این تغییر بظاهر کوچک و بی‌اهمیت تغییرات کلی تری را در پیش داشته یعنی تولید غذا، استقرار دائم در یک محل و متعاقب آن آغاز شهرنشینی و تمدن» بهتر بود این گفته با توضیح بیشتری همراه باشد چرا که می‌دانیم آغاز شهرنشینی زمانی بوده است که کشاورزی رشد کرده و گردآوری خوراک از حالت ابتدائی خارج شده است در این مرحله کشاورزی بر شکار برتری کامل داشته و شکل تکامل یافته شکار در این عهد به اهلی کردن حیوانات و نهایتاً دامداری روستایی (دامپروری) یا دامداری (به صورت کوچ‌روی) تبدیل شده است. در واقع دوره ذخیره در هر منطقه‌ای از جمله ایران یک مرحله انتقالی از شکار به پرزگری است و بهتر بود این نکته مهم با توضیح بیشتری همراه باشد.

د - به طور کلی در بررسی ادوار پیش از تاریخ سه مسئله یا عامل نوع زیست (خانه بنوشی یا سکنی‌گزینی)، نوع معیشت (شکار یا پرزگری) و نوع فرهنگ (مادرسالاری یا پدرسالاری) نقش اصلی را ایفاء می‌کنند. بهتر بود در بیان هر دوره، جمع‌آوری غذا، کشاورزی و... به این نکات مهم اشاره می‌شد چرا که هرگونه بررسی و توجه به جوامع انسانی در عهد پیش از تاریخ به این سه عامل وابسته است.

ه - در بخش چهارم کتاب در فصول فرهنگ و تمدن ایلام و حیات اجتماعی و زندگی روزمره در ایلام اگرچه مولف محترم با وجود اختصار تمام موضوعات را بیان داشته است اما چنان که می‌دانیم اهمیت فرهنگ و تمدن ایلام چنان است که جا داشت نویسنده محترم در این مورد توضیح بیشتری داده به ویژه به ارتباط بین این فرهنگ با فرهنگ آریایی، تاثیر این فرهنگ بر فرهنگ آریایی، تاثیر متقابل فرهنگ تمدن‌های بین‌النهرین و ایلام بحث

می‌شد چنانکه بازمانده‌های فرهنگ مادرسالاری در ایلام بر فرهنگ آریایی تاثیر گذاشت که ظهور ایزدبانو در فرهنگ پدرسالاری آریایی برخاسته از همین تاثیر است. در مورد هنر، معماری، خط، امور اداری و سیاسی و نظامی نیز آریایی‌ها به ویژه پارس‌های فرهیخته و مستعد دریافت امور فرهنگی، از ایلامی‌ها تاثیر زیادی پذیرفتند و البته می‌دانیم که این به معنای عدم رشد فرهنگی پارس‌ها یا دیگر آریایی‌ها نیست.

۲- در بیان بسیاری از مباحث نظرات مختلفی وجود دارد که در مواردی مولفین محترم تنها به یک نظر اشاره کرده‌اند و بهتر بود به چند نظر اشاره می‌شد و در مواردی ماخذ نیز ذکر نشده است که به عنوان نمونه به مواردی اشاره می‌شود.

الف - در صفحه نخست آمده است: «این سرزمین که اجناد و نیاکان آریایی ما از حدود سه هزار سال پیش از میلاد در آنجا اقامت کرده‌اند...»

اینک اکثر محققین بر آنند که زمان ورود آریایی‌ها به ایران در طول هزاره دوم قبل از میلاد و در چند نوبت بوده است و اگر چه این نظر محترم است اما ماخذ این نظر ذکر نشده است. چنانکه در همین کتاب در صفحه ۵۹ از نویسنده دیگر کتاب آمده است که آریایی‌ها در حدود دو هزار سال پیش از میلاد وارد ایران شدند که این نظر صحیح‌تر است.

ب - در صفحه ۵۴ در قسمت «دلیل وجودی اسطوره» مولف محترم نظریه «آدلر» و طرفداران او را بیان داشته‌اند که اگر چه نظر مولف محترم است اما ذکر ماخذ و البته بیان نظرات دیگر مناسب‌تر بود. «اسطوره‌ها واکنشی از ناتوانی انسان است در مقابله با درماندگیها و ضعف او در برآوردن آرزوها و ترس او از حوادث غیر مترقبه»

ج - در صفحه ۹۸-۹۹ در مورد شخصیت کاهه آمدن است که به گفته برخی از ایران‌شناسان وی همان صورت شخصیت یافته کسی است که بعدها لقب فرمانروایان سلسله کیانی می‌شود و به هیچ ماخذی اشاره نشده است.

د - در صفحه ۱۰۵ در مورد شخصیت رستنه نویسنده نظرات مختلف را بیان داشته اما از ذکر منابع خودداری کرده است.

۳- مطالب این کتاب در بر دارنده تمام مباحث مربوط به ایران باستان تا ورود آریایی‌ها نمی‌باشد از مهمترین کاستی‌ها عدم بررسی وضعیت اقوام بومی ساکن در ایران مقارن با ورود آریایی‌ها است. در این کتاب جا داشت حتماً به حیات سیاسی و اجتماعی اقوام بومی ساکن در ایران قبل از ورود به مبحث ایلام اشاره شود. اقوامی چون اورارتوییان، مانناییان، لولوبی‌ها و... چنانکه می‌دانیم این اقوام در تماس با ایلامی‌ها از فرهنگ و تمدن ایلام تاثیر زیادی پذیرفتند تغییر نحوه معیشت آنها از دامداری به کشاورزی و سکنی‌گزینی شدن آنها از مهمترین این تاثیرات است. ما نیز آریایی‌هایی که در این منطقه موفق به تشکیل حکومت شدند (مادها و پارس‌ها) از این اقوام تاثیر پذیرفتند و اصولاً شرح ارتباط بین این فرهنگ‌ها (آریایی‌ها، اقوام بومی، ایلامی‌ها و بین‌النهرین) از نکات مهم در شناخت فرهنگ و تمدن ایران به ویژه در عهد باستان به شمار می‌رود. شاید مولفین محترم بر آنند که در جلد بعد به این مسئله بپردازند.

چنانکه قبلاً گفتیم در کل باید زحمت مولفین محترم را ستود و بر تلاش آنها ارج نهاد. اگر چه اختصار در بیان بعضی مطالب موجب کاستی آن موضوع شده است اما دکتر محمود حریریان در بخش نخست جغرافیای طبیعی فلات ایران را در حد اختصار

خوب بازگو کرده است. دکتر صادق ملک شه‌میرزادی با سابقه درخشان در تحقیقات باستان‌شناسی روش ترکیبی جالب و به سزای «چایلد» و «اربرت برینوود» را برگزیده است (گو اینکه اگر در همین زمینه به نظرات چایلد و برینوود اشاره‌ای هر چند کوتاه می‌کرد ارزش کار وی بیشتر نمایان می‌شد) دکتر ژاله آموزگار با تجربه‌های گرانقد در آموزش و پژوهش دوازده هزار سال عمر خلقت در باورهای زرتشتی را با جزئیات متنوع و متعدد آن به خوبی بیان داشته و دکتر نادر میرسعیدی با تلاشی درخور تحسین در بخش ایلام از عهد بیان مطالب متنوع و فراوان تاریخ ایلام به خوبی برآمده است.

از آنجا که شیوه نگارش تاریخ ترکیبی در ایران جایگاه خود را نیافته است و امید است در آینده این شیوه تاریخنگاری رواج بیشتری یابد از این بابت نیز باین شیوه نگارش این کتاب را تحسین کرد اما چه خوب بود در این شیوه هماهنگی بیشتری وجود داشت. وجود یک مقدمه مستوفی با ذکر شیوه تدوین و اهداف نویسندگان در روش نگارش و یک ویراستاری علمی بر کل کتاب مسلماً بر ارزش این روش و تلاش نویسندگان می‌افزود.

در پایان ضمن آرزوی سلامتی و توفیق برای مولفین محترم و توجه به پیشنهادات و کاستی‌ها، خواندن این کتاب پرمایه و بارز را به علاقه‌مندان و دانشجویان به ویژه دانشجویان رشته تاریخ توصیه می‌کنیم.

بی‌نوشت‌ها:

۱- تاریخ ایران باستان، جلد اول: دکتر محمود حریریان، دکتر صادق ملک شه‌میرزادی، دکتر ژاله آموزگار، دکتر نادر میرسعیدی، چاپ اول، سمت تهران: ۱۳۷۷. ص ۳۴.

۲- همان، ص ۱.

۳- در این مورد می‌توان به کتلهای پژوهشی در اساطیر ایران مهرداد بهار، چاپ اول، آگاه تهران: ۱۳۷۵. ص ۳۸۸-۹. آریائیا و مادها دکتر اردشیر خاندانیان، چاپ اول، اصلت تشریح، تهران: ۱۳۷۶. ص ۲۴. تعداد دیگری از نویسندگان و محققین ایرانی و همچنین آثار محققین غیر ایرانی از جمله گیرشمن، نیبرگ و وین‌گرن، ملریان ماله و دیگران مراجعه کرد.

۴- تاریخ ایران باستان، پیشین، ص ۵۴.

در بیان بسیاری از مباحث نظرات مختلفی وجود دارد که در مواردی مولفین محترم تنها به یک نظر اشاره کرده‌اند و بهتر بود به چند نظر اشاره می‌شد و در مواردی ماخذ نیز ذکر نشده است.

مطالب این کتاب در بر دارنده تمام مباحث مربوط به ایران باستان تا ورود آریایی‌ها نمی‌باشد... زیرا جا داشت به حیات سیاسی و اجتماعی اقوام بومی ساکن در ایران قبل از ورود به مبحث ایلام اشاره شود. اقوامی چون اورارتوییان، مانناییان، لولوبی‌ها و...